

بررسی نحوه پوشش جرائم در صفحه حوادث مطبوعات

مهرداد شهسواریان^۱

چکیده:

اخبار حوادث مندرج در مطبوعات با دارا بودن ارزش خبری درگیری یا برخورد، مخاطبان زیادی را با خود همراه می‌کند. مطبوعات با تولید اخبار و طرح داستان‌هایی راجع به جرم سعی دارند به افراد شوک وارد کرده، آنها را بترسانند و یا سرگرم سازند و در حال حاضر روزنامه‌ها بیش از هر زمان دیگری به عنوان ادبیات خاکستری تحقیقات مطرح‌اند. اگرچه این ایده بسیار رایج است که رسانه‌ها نقشی اساسی در طرح موضوعات دارند و مطالب آن بخشی از گفتمان عمومی است، اما این مطالب همواره با واقعیت همخوانی ندارد. به عبارتی می‌توان گفت که آنها قادرند تا تصویر چوله‌ای از جرم ارائه کنند که بر اساس تئوری های جرم شناسی و رسانه، می‌تواند بر احساس امنیت اجتماعی و به تبع آن بر نظم اجتماعی در جامعه اثرگذار باشد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی، ۲۰۰ خبر از اخبار حوادث روزنامه ایران را در شش ماهه اول سال ۱۳۹۳ به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب کرده و مورد مطالعه قرار داده است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که بازتاب واقعیت‌های جرائم در صفحه حوادث مطبوعات در برخی جنبه‌ها با جهت‌گیری همراه است و بعضاً با واقعیت همخوانی ندارد.

کلمات کلیدی: مطبوعات، صفحه حوادث، امنیت اجتماعی، جرم، مجرم، قربانی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

طرح مسئله

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد

«مطابق ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسل فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایتمند و برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن «منشور حقوق شهروندی» را مشتمل بر محورهای ذیل به تصویب مراجع ذیربط برساند:

- تامین آزادی و امنیت لازم برای رشد شکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان

- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

- ارتقای احساس امنیت اجتماعی و...»^۱.

مطبوعات با انعکاس اخبار مربوط به پدیده‌های مجرمانه می‌توانند نوعی اندیشه بزهکاری را به مردم تحمیل کنند. با توجه به این نقش مهم، برخی از صاحب‌نظران از مطبوعات به عنوان منبع اساسی نشر ناامنی و یا احساس ناامنی تعبیر می‌کنند (لازر، ۱۳۷۵: ۴۰). اگر اخبار مربوط به جرایم موجود در جامعه افزایش یابد و مطبوعات با چاپ مقاله، گزارش و عکس‌های مختلف به بزه خاصی توجه بیش از حد نشان دهند، یا این که به بزه‌های بی‌اهمیت، بیش‌تر از تناسب بپردازند (بدون آن که اهمیت واقعی آن تغییر کرده باشد)، در این صورت افکار عمومی متقاعد خواهد شد که بزهکاری افزایش یافته است. از سوی دیگر، عدم توجه و خودداری مطبوعات از گزارش پدیده‌های مجرمانه موجود در جامعه، در عین آن که به تعدیل احساس ناامنی در جامعه کمک می‌کند، باعث می‌شود که افکار عمومی حساسیت و هوشیاری خود را نسبت به بزهکاری در جامعه از دست بدهد و در چنین حالتی، دولت‌ها و در برخی مواقع مسئولان امر نیز به دلیل عدم فشار افکار عمومی، از توجه خاص به پدیده‌های مجرمانه در جامعه باز می‌مانند (همان، ۳۹-۴۱).

عدم شناخت نقش رسانه‌ها، فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری را در سطح کلان با مشکل مواجه می‌سازد و سبب سترون شدن نهادهای متولی نظم‌آفرینی و افزایش دامنه آسیب‌پذیری-های اجتماعی و افزایش جرم و جنایت در جامعه می‌شود. از همین رو مقاله حاضر با بررسی و تحلیل محتوای کمی اخبار حوادث روزنامه ایران سعی دارد تصویر انعکاس یافته از جرایم را در این روزنامه شناسایی کند. این‌گونه مطالعات نشان می‌دهد که روزنامه به عنوان یک رسانه فراگیر چه نوع جرایمی را و با چه میزان گستردگی، پوشش خبری می‌دهد. نتایج این مقاله

^۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه

می‌تواند روشن‌گر این موضوع باشد که افراد با چه ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی احتمال دارد مرتکب چه نوعی از جرایم شده و اینکه افراد عامدانه و یا بدون هیچ نیّت (اتفاقی) می‌توانند در وقوع یک جرم تاثیرگذار باشند و با به دست آمدن این آگاهی در این حوزه، از میزان وقوع جرایم احتمالی نیز کاسته شود، در ضمن نقاط قوت و ضعف رسانه‌ای اثرگذار همچون روزنامه در پوشش خبری جرایم مشخص شده و بتوان با جبران کاستی‌ها و غفلت‌های احتمالی در پرداختن به اخبار حوادث، تاثیرگذاری مطلوبی از سوی رسانه‌ها بر روی افکار عمومی و افزایش میزان احساس امنیت فردی و اجتماعی حاصل کرد.

درباره جرم و رسانه، پیشینه تجربی و نظری خاصی وجود دارد که در زیر به آنها اشاره شده و به عنوان چارچوب‌های ارجاعی مورد استناد قرار گرفته است. البته شناسایی برخی از مقوله‌های مورد تحلیل نیز در خلال مطالعه اخبار حوادث منعکس شده در روزنامه ایران، صورت پذیرفته است.

مبانی نظری

مطالعات انجام‌شده بر روی اخبار جرایم، به طور قابل ملاحظه‌ای الگوی یکسانی را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نشان می‌دهد. اولین مطالعات بر روی گزارش‌های خبری مشخص کرد که جرایم خشن در مقایسه با آمارهای رسمی، به طور نامتناسبی برجسته شده‌اند.

سورسن و همکارانش^۱ (۲۰۰۳) در تحقیقی ثابت کردند که کاهش سلامت روانی زنان با افزایش مطالعه اخبار و حوادث جنایی و منفی رابطه مستقیم دارد. آنها ابتدا سطح سلامت روانی گروهی از زنان را اندازه‌گیری کردند آنگاه از آنها خواستند تا به مدت ۵ هفته مبادرت به مطالعه چند نشریه حاوی مطالب مربوط به رخدادهای منفی و حوادث ضربه آمیز بکنند. پس از اتمام ۵ هفته بار دیگر سطح سلامت روانی آنها اندازه‌گیری شد. نتایج تحقیق آشکار ساخت که مطالعه حوادث تروماتیک به صورت معناداری موجب کاهش سطح سلامت روانی زنان مورد مطالعه قرار گرفته و اضطراب و میزان افکار پارانوئید (سوء ظن شدید نسبت به دیگران) آنان را افزایش داده بود. این محققان در تبیین یافته‌های خود بر «نقش واسطه‌های ذهنی در بروز اختلالات روانی» اشاره نموده‌اند. به باور آنها سلامت و بیماری روانی بیش از هر چیز متأثر از افکار اتوماتیک منفی است بنابراین هر عامل که بتواند این افکار را بر انگیزد بر سطح سلامت یا اختلال روانی تاثیر می‌گذارد. از نظر سورسن و همکارانش مطالعه مستمر رخدادهای منفی ذهنی را فعال می‌سازد و موجب گیر افتادن فرد در دام خطاهای شناختی و تفاسیر معیوب می‌

^۱ Severson

شود. چنین خطاها و تفاسیری زمینه کاهش سطح سلامت را تقلیل می دهد. (الیاسی، ۱۳۸۵: ۵۷)

مطالعه تاریخی رینر و همکارانش از دو روزنامه بریتانیایی در طی جنگ جهانی دوم نیز نشان داد که تغییرات مهمی در بخش گزارش‌های مرتبط با انواع جرایم به وجود آمده بود. به طور خاص کاهش چشمگیری در بخش گزارش‌های مربوط به جرایم مالی وجود داشت، همچون سرقت که در آن هیچ خشونتی روی نداده است. در حالی که جرایم مالی، بر طبق آمار رسمی و تحقیقات جنایی، همگی جزء غالب جنایات‌ها هستند. طی دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ این موارد اغلب در گزارش‌های خبری مشاهده شدند ولی پس از اواسط دهه ۱۹۶۰ به ندرت گزارش شدند، مگر برخی از موارد که خشونتی بواسطه آنها روی داده بودند (Reiner, ۲۰۰۰ and ۲۰۰۱).

در پژوهشی که به شناسایی مشکلات امنیتی- اجتماعی زنان در روابط شهری در میان ۸۵۰ نفر از زنان ۱۴ سال به بالا در شهر تهران پرداخت نشان داد که حدود ۷۴ درصد از پاسخگویان جرم و جنایت را در جامعه زیاد دیدند و ۶۶ درصد با شنیدن و یا خواندن اخبار جرم و جنایت در روابط خود احتیاط می کنند. (نجیبی ربیعی، ۱۳۸۴: ۹۸)

اما علت چیست؟ محتوای پوشش اخبار صفحه حوادث به چه نحوی است که موجبات احساس ناامنی در مخاطبان را فراهم می آورد؟

در تحقیقی که بهروز گرانیپیه در قلمرو مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انجام داد اثبات کرد که قتل، دزدی و آدم ربایی سه موضوعی است که خوانندگان مطبوعات در مطالعه صفحه حوادث آنها را بیشتر دنبال می کنند و جالب تر اینکه ۴۷/۷٪ از پاسخگویان در مطالعه اخبار حوادث به انگیزه اقدام توجه نموده اند و ۲۲/۷٪ درصد به دنبال چگونگی ارتکاب جرم هستند.

نور محمد جاوید و جعفر شرافتی پور نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در میان مطالب صفحه حوادث مورد مطالعه خوانندگان، قتل و حوادث جنایی، اختلافات خانوادگی و سرقت سه موضوع اولی است که خوانندگان دنبال می کنند؛ نکته جالب در این است که بر طبق نظر ۶۷/۱٪ درصد از پاسخگویان، اخبار خشونت آمیز در روزنامه توجه بیشتری را به خود جلب می کنند.

جالب تر از آن، این مسئله است که با وجود حجم بسیار کم سه جرم ذکر شده^۱ در این دو تحقیق، بر طبق تحلیل محتوای مطبوعات، توجه به این سه جرم بیش از دیگر جرایم عنوان شده است.

دکتر سید محمد مهدی زاده در تحقیقی که در سال ۸۶ در خصوص «ساخت و محتوای اخبار حوادث و جرائم» در روزنامه ها انجام داد، بعد از تحلیل محتوای صفحه حوادث بیست روزنامه روزانه کشور عنوان کرد که جرائم قتل، سرقت و قاچاق به ترتیب بیشترین سهم را در اخبار جرایم داشتند.

وی در این تحقیق همچنین ثابت کرد که بر اساس تحلیل محتوای صفحه حوادث این روزنامه ها، وقوع جرم با ۳۳/۷۴ درصد، دستگیری مجرمان با ۲۳/۸۳ درصد بیشترین سهم را در تیترهای خبرهای جرائم دارند. به عبارتی حرکت مطبوعات در صفحه حوادث دقیقاً متناسب با همان چیزی است که مخاطبان می خواهند.

محمد حسن خطیبی در پایان نامه خود تحت عنوان «بررسی بازتاب جرایم در مطبوعات با تاکید بر جرایم جوانان» که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شد نتایج جالبی قابل توجهی دست یافت. براساس برخی نتایج تحقیق وی که از تحلیل محتوای چهار نشریه کیهان، اطلاعات، ایران و جام جم به دست آمد قتل (۲۳/۶ درصد)، جرایم خشونت آمیز (۲۱/۵ درصد)، جرایم علیه اموال و مالکیت (۱۷/۸ درصد) به ترتیب به عنوان اولین رویدادهای برجسته شده در صفحه عنوان شده است. وی همچنین ثابت کرد که ۵۹ درصد از اخبار مربوط به جرائم مربوط به مرحله دستگیری مجرم، ۲۳/۳ درصد مربوط به مرحله کشف جرم و تحقیقات پلیسی، ۷ درصد محاکمه مجرم، ۲/۷ درصد در مرحله مجازات برجسته شده است.

^۱ مارش در مقاله ای با عنوان «بررسی تطبیقی پوشش خبری جرم در روزنامه ها آمریکا و دیگر کشورها» با تحلیل محتوای ۳۶ روزنامه آمریکایی و بررسی ۲۰ پژوهش دیگر در ۱۴ کشور جهان در دهه های هفتاد و هشتاد، به این جمع بندی رسید که جرم های خشونت آمیز بسیار بیشتر از آنچه در آمارهای رسمی آمده، در روزنامه ها بازتاب داشته است. ولی، در عوض، درصد گزارش جرم های علیه اموال در روزنامه ها بسیار کمتر از میزان ارتکاب آن بوده است. به عبارت دقیق تر، نسبت گزارش های مربوط به جرم های خشونت آمیز به جرم های علیه اموال در این روزنامه ها ۸ به ۲ بوده است؛ یعنی، سهم گزارش های مربوط به جرم های علیه اموال یک چهارم جرم های خشونت آمیز بوده، در حالی که در طول دوره مورد مطالعه، براساس آمارهای رسمی جرم های علیه اموال ۹ برابر بیشتر از جرم های خشونت آمیز بوده است.

تحقیق دیگری که در کشور آرژانتین انجام شد، نشان دهنده تحریف در بازتاب رویدادهای جنایی در روزنامه های پرتیراژ این کشور بود. براساس آمارهای ارائه شده در این تحقیق، ۴۰ درصد از جرم های گزارش شده در روزنامه ها به جرم های علیه اشخاص اختصاص یافته بود؛ در حالی که میزان واقعی این جرم ها براساس آمارهای رسمی از ۱۷ درصد تجاوز نمی کرد. در مقابل، در حالی که جرم های علیه اموال حدود ۷۰ درصد جرم های ارتكابی در این کشور را تشکیل می داد، فقط ۱۸/۷ درصد از جرم های گزارش شده به این دسته از جرم ها اشاره کرده بود.

نسبت جرم و رسانه در رویکردهای نظری

بسترهای اجتماعی که جامعه بر اساس آنها قوام و دوام می‌یابد، به عنوان تولید کننده احساس امنیت اجتماعی محسوب می‌شوند. این بسترها خود تحت تأثیر متغیرهای کلانی نظیر فرهنگ، سیاست، اقتصاد، تاریخ، جمعیت و غیره هستند. اگر در جامعه بسترهای اجتماعی به صورت هماهنگ در ارتباطی پویا با یکدیگر قرار گرفته باشند، یک ثبات نسبی در بحث احساس امنیت اجتماعی به وجود خواهد آمد؛ اما در صورت وجود شکاف یا گسل بین هر یک از این متغیرها، خطرات بالقوه، امنیت اجتماعی را تهدید خواهند کرد. وجود چنین شکاف‌هایی در اغلب جوامع امروزی امری تقریباً طبیعی بوده و در درجات متفاوت، قابل مشاهده هستند. هر یک از این گسل‌ها به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، به شکل خاص بر امنیت اجتماعی اثر می‌گذارند.

در میان این تفاوت‌های کارکردی، یک ویژگی مشترک به چشم می‌خورد که از اهمیت خاصی برخوردار است. این ویژگی به نظام فعالیتی این گسل‌ها برمی‌گردد. همان‌طور که گسل‌های زمین دائماً فعال نبوده و در شرایط مشخص فعالیت خود را شروع می‌کنند، گسل‌های اجتماعی نیز، اغلب در دوره‌های طولانی به شکل نهفته و غیرفعال بوده و در صورت تحریک و آماده بودن شرایط، تغییر وضع داده و به شکل فعال درمی‌آیند. تا زمانی که این شکاف‌ها حالت غیرفعال دارند، امنیت اجتماعی در یک ثبات نسبی با تغییرات نسبتاً قابل پیش‌بینی بر جامعه حاکم است اما تحریک هر یک از این گسل‌ها می‌تواند به یکباره شرایط جدیدی را تولید و منجر به در هم ریختن نظم موجود و امنیت اجتماعی وابسته به آن گردد. با وجود اینکه زمان فعال بودن هر یک از این گسل‌ها خیلی طولانی نیست اما اثرات آن به شکل پس‌لرزه‌هایی در دوره‌های زمانی مشخص خود را نشان می‌دهد. فعال شدن هر یک از این شکاف‌های اجتماعی ممکن است بقیه گسلها را نیز تحت تأثیر قرار داده و آنها را به سطح بکشاند و در نتیجه، در شکل و ترکیبی پیچیده خود را نشان دهد. رسانه‌های جمعی به دلیل کارکردهای مشخصی که دارند از جمله عوامل مهمی هستند که می‌توانند این گسلها را دستکاری کرده و تغییر وضعیت دهند. (کریمیایی، ۱۳۸۷: ۱۴۰)

در میان عوامل متعدد مرتبط با جرم، نقش رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. در این میان، مطبوعات در برخورد با پدیده‌های مجرمانه، با دو مقوله متعارض روبرو هستند: ۱. مقوله عمل به رسالت اولیه مطبوعات، یعنی اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی ۲. مقوله بدآموزی و عادی جلوه کردن بزهکاری در صورت انعکاس گسترده جرایم (رضایی، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

طرفداران دیدگاه نخست رسالت مطبوعات را آگاهی‌بخشی دانسته و به انعکاس گسترده وقایع مجرمانه با ذکر همه جزئیات آن توجه دارند. از این منظر، جرایم خرد و کلان زمانی ارزش انعکاس و بها دادن را پیدا می‌کنند که با جذب مخاطبان بیشتر، حس کنجکاوی آنها را پاسخ مناسب و درخور دهند. کسب خبر به هر وسیله و بزرگ‌نمایی تمام یا بخشی از وقایع مجرمانه و پرداختن به هر موضوعی که به نحوی با جرم انجام شده مرتبط است، شیوه طرفداران این انتخاب است. لازم به ذکر است طرفداران عمل مطبوعات به رسالت آگاهی‌بخشی معتقدند انعکاس دقیق اعمال مجرمانه، نقش مهمی در هوشیاری و حساس کردن افکار عمومی دارد و از این منظر، آثار مفیدی برای اجتماع خواهد داشت (معمدنژاد، ۱۳۷۵: ۲۵).

دیدگاه دیگری که در ارتباط با برخورد مطبوعات در قبال پدیده‌های مجرمانه ظاهر می‌شود، دیدگاه سلبی است که بر اساس آن، نشریات با انعکاس اخبار بزهکاری علاوه بر آن که به بدآموزی اجتماعی کمک می‌کنند، با انتشار مرتب، گسترده و جز به جز اخبار جرایم، قبح و زشتی این اعمال را در جامعه از بین برده و موجب می‌شود جرم به صورت امری عادی و طبیعی جلوه‌گر شود. برخی از معتقدان به این اندیشه به عدم انعکاس قطعی اخبار جرایم در رسانه‌ها - به ویژه مطبوعات - معتقدند و برخی دیگر، به انتشار هوشیارانه گزارش بزهکاری در جامعه تأکید می‌کنند (همان: ۲۶).

بر این اساس می‌توان به چند دیدگاه و رویکرد نظری عمده درباره ارتباط میان جرم و رسانه اشاره نمود. در این حوزه می‌توان نظریه فشار و بی‌هنجاری را مدنظر قرار داد. بر اساس این نظریه، رسانه‌های جمعی و حتی صنعت تبلیغات فشار بسیار زیادی را بر افرادی که ابزار بسیار محدودی برای دستیابی به موفقیت از مجراهای قانونی و طبیعی دارند، وارد می‌کند، زیرا این تبلیغات منشأ بروز حجم زیادی از مطالبات برآورده نشده با فرصت‌های بسیار اندک برای رسیدن به آن خواهد شد. این وضعیت موجب می‌شود برخی از افراد اجتماع، دستیابی به اهداف و ارزش‌های رایج در جامعه را از مسیرهای غیر مشروع و غیرقانونی جست و جو کنند (Merton, ۱۹۳۸).

روش تحقیق

این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های از تکنیک تحلیل محتوای کمی^۱ استفاده کرده و با توجه به اینکه این مقاله در پی مطالعه عوامل مؤثر بر وقوع جرایم و نحوه بازتاب آن در مطبوعات است، متغیرهای مورد بررسی در سطح فرد تحلیل شده‌اند. در مرحله آنالیز کمی داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، ورود داده‌ها انجام شده است.

^۱ Quantitative content analysis

جامعه آماری این پژوهش را اخبار حوادث روزنامه ایران در ۶ ماه اول سال ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد (۱۴۳ شماره روزنامه). از جمله دلایل انتخاب این روزنامه به عنوان جامعه آماری می‌توان به سابقه زیاد و انتشار بدون وقفه آن، پوشش خبری نسبتاً کامل در حوزه شهری، حوادث و مسائل اجتماعی، توزیع گسترده و تیراژ چاپ بالای این روزنامه (نزدیک به ۵۰۰ هزار نسخه در روز) اشاره کرد.

از بین ۱۴۳ شماره روزنامه، ۶۵ شماره با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک به عنوان نمونه انتخاب شده است. لازم به ذکر است که در میان شماره‌های منتخب روزنامه، خبرهایی انتخاب شده‌اند که ویژگی‌های مربوط به مجرمین و قربانیان در آن مشخص بوده‌اند تا بتوان به یک تحلیل جامع و دقیق دست یافت. با توجه به این موضوع و نیز رسیدن به حد اشباع در داده‌ها، در انتها از میان اخبار، ۲۰۰ خبر به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. برای ارزیابی کیفیت اندازه‌گیری در این مطالعه از اعتبار محتوایی (به طور مشخص، اعتبار صوری) استفاده شده است.

در ادامه، تعریف نظری و عملیاتی برخی از متغیرهای عمده تحقیق بیان شده است
نحوه ارتکاب جرم: این متغیر به سه طبقه تقسیم می‌شود: (۱) جرایم اتفاقی: جرایمی که بدون قصد قبلی و بر اساس یک حادثه اتفاق می‌افتد. (۲) جرایم عمدی: منظور جرایمی است که مجرم با قصد و انگیزه قبلی دست به ارتکاب جرم می‌زند. (۳) جرایم عادت: جرایمی که مجرم بر اساس عادت و تکرار آن را انجام می‌دهد.

انواع جرایم: ۱: جرایم علیه اشخاص (قتل، خشونت‌های فردی و زورگیری و آدم‌ربایی). ۲: جرایم علیه اموال (سرقت مسلحانه، خانه‌زنی، سرقت ماشین، کیف‌قاپی و جیب‌بری و کلاه‌برداری). ۳: جرایم جنسی (تجاوز به عنف و آزار و اذیت جنسی).

متغیرهای زمینه‌ای: برای پی بردن به الگوها، برحسب خرده‌گروه‌های مختلف به خصوصیات جمعیت‌شناختی چون جنس، سن، وضعیت تأهل مجرم و قربانی توجه شده است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش نتایج و یافته‌های آنالیز یک‌متغیره^۱ حوزه جرم‌شناسی

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی متغیرهای حوزه جرم‌شناختی

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	حجم نمونه
جنس مجرم	مرد	۱۵۰	۷۵	۲۰۰
	زن	۵۰	۲۵	
سن مجرم	خردسال	۰	۰	۲۰۰
	نوجوان	۰	۰	
	جوان ^۲	۱۷۷	۸۸,۵	
	میانسال	۲۰	۱۰	
	کهنسال	۳	۱,۵	
وضعیت تأهل مجرم	مجرد	۱۰۸	۵۴	۲۰۰
	متاهل	۴۹	۲۴,۵	
	بیوه	۵	۲,۵	
	نامشخص	۳۸	۱۹	
پایگاه اقتصادی مجرم ^۳	پایین	۱۱۵	۵۷,۵	۲۰۰
	متوسط	۵۲	۲۶	
	بالا	۶	۳	
	نامشخص	۲۷	۱۳,۵	
سابقه جرم	بدون سابقه	۷۷	۳۸,۵	۲۰۰
	سابقه‌دار	۱۲۳	۶۱,۵	
محل وقوع جرم	مکان شلوغ عمومی	۴۱	۲۰,۵	۲۰۰
	مکان خلوت عمومی	۸۵	۴۲,۵	
	واحد‌های مسکونی و اداری	۷۴	۳	

۱. Univariate

^۱ متأسفانه تشخیص گروه سنی در روزنامه‌ها امکان‌پذیر نیست. در روزنامه صرفاً از واژه‌هایی نظیر جوان و بزرگسال استفاده شده است، اما می‌توان حدس زد که گروه سنی جوان، عمدتاً از ۱۸ سال تا ۲۷ سال را تشکیل می‌دهد.

^۲ برای مشخص کردن پایگاه اقتصادی مجرمان و قربانیان از متغیرهایی مثل شغل فرد، محل زندگی، میزان درآمد، نوع منزل مسکونی (اجاره‌ای، شخصی) و نوع ماشین شخصی سود جسته شده است. زیرا این متغیر مهم در اخبار مربوط به جرایم به وضوح و به طور مستقیم بیان نشده است.

۲۰۰	۱	۲	اتفاقی	نوع جرم
	۹۶,۵	۱۹۳	عمدی	
	۲,۵	۵	عادتی	

با توجه به جدول شماره ۱ و در جهت یکی از اهداف عمده پژوهش، می‌توان یک تیپولوژی از ویژگی‌های مجرمان جرایمی که در روزنامه بازتاب شده، ارائه کرد. همان‌طور که مشخص است، در جامعه ایران مطابق با الگوی جرم‌شناختی رایج، در حوزه‌های عمومی و خصوصی، مردان بیشتر مرتکب جرم می‌شوند (۸۴٪) و احتمال بروز رفتار مجرمانه نیز در آنها بیشتر از زنان است. همان‌طور که در پیشینه تجربی نیز بیان شد «هم آمار جرایم و هم اخبار آن، ارتکاب جرم را به عنوان فعالیتی مردانه ترسیم می‌کنند» (Sacco, ۱۹۹۵: ۱۴۳). از طرفی افراد جوان (۸۸,۵٪) و مجرد (۵۴٪) احتمالاً به علت سبک زندگی همراه با خطر بیشتر در معرض همنشینی‌های مجرمانه قرار دارند و چون نظارت کمتری از طرف جامعه بر آنها وجود دارد بیشتر از سایر گروه‌ها مرتکب جرم می‌شوند.

در جهت تأیید اولین فرضیه، در روزنامه ایران بیشتر جرایم طبقه پایین اقتصادی (۵۷,۵٪) بازتاب شده و در این بین تنها ۳٪ جرایم به طبقه بالای اقتصادی تعلق دارد، در حالی که جرایم یقه‌سفیدان و افراد صاحب ثروت و قدرت نیز قابل توجه بوده و حوزه جرایم این قشر می‌تواند وسیع باشد، اما احتمالاً به واسطه عدم شناسایی این جرایم و یا مخفی بودن آن، روزنامه‌ها بیشتر به جرایم خرد و خیابانی می‌پردازند و به علت جاذبه‌های خبری این نوع جرایم بازتاب وسیع‌تری از آنها انجام می‌دهند، مطالعات مارش نیز تأییدکننده داده‌های بدست آمده در این بخش است (Marsh, ۱۹۹۱: ۷۴-۷۶). در ادامه مشخص گردید بیش از ۲/۱ افراد سابقه‌دار

مرتکب جرایم شده‌اند و احتمالاً به این معنی است که انجام دادن جرایم نخستین، احتمال ارتکاب جرایم بعدی را در فرد بسیار بالا می‌برد. دیگر نکات به دست آمده از جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین مکان‌های وقوع جرم مکان‌های خلوت عمومی بوده (۴۲,۵٪) و بیشترین نوع ارتکاب جرم عمدی است (۹۶٪).

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی متغیر دسته بندی جرایم و عناوین آن

دسته بندی جرایم	فراوانی	درصد	عنوان جرم	فراوانی	درصد
جرایم علیه اشخاص	۸۱	۴۴	قتل	۳۲	۱۶
			خشونت های بین فردی و زورگیری	۴۱	۲۰,۵
			آدم ربایی	۱۳	۶,۵
جرایم علیه اموال	۱۰۵	۵۲,۵	سرقت مسلحانه	۹	۴,۵
			خانه زنی	۱۸	۹
			سرقت ماشین	۸	۴
			کیف قاپی و جیب بری	۲۷	۱۳,۵
جرایم جنسی	۱۴	۶,۵	تجاوز و آزار جنسی	۹	۴,۵
	۲۰۰ نفر	٪۱۰۰	جمع	۲۰۰ نفر	٪۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۲ می توان بیان داشت که بیش از $\frac{1}{2}$ جرایم منعکس شده در روزنامه ایران، جرایم علیه اموال است (۵۲,۵٪) و در رتبه بعد جرایم علیه اشخاص (۴۳٪) قرار دارد. لازم به ذکر است که از بین عناوین جرایم، کلاهبرداری با ۲۱,۵٪ بیشترین نوع جرم رخ داده است و جرایم مربوط به خشونت های بین فردی و زورگیری با ۱ درصد کاهش نسبت به کلاهبرداری، در رتبه دوم جرایم قرار دارد (۲۰,۵٪).

با جمع کردن درصد جرایم جنسی و جرایم علیه اشخاص که تشکیل دهنده جرایم خشن هستند، مشاهده می شود که نزدیک به ۵۰ درصد جرایم بازنمایی شده در روزنامه ایران، جرایم خشن بوده که مغایر با آمارهای رسمی جرمیدر این باره است. بر اسا آمارهای واقعی معمولاً فقط حدود ۵ الی ۱۰٪ جرایم، خشن هستند (Maguire & others: ۲۰۰۷). مطالعات خارجی انجام شده در دهه ۱۹۹۰ الگوی مشابهی از نمایش بیش از حد جنایت وحشیانه و میان فردی (مخصوصاً جرایم جنسی مانند تجاوز به عنف) را نشان دهند (Chiricos et al: ۱۹۷۷; Beckett and Sasson, ۲۰۰۰). به این ترتیب دومین فرضیه پژوهش، درباره بر ساخت اغراق آمیز از میزان جرایم خشن در مطبوعات تأیید می شود.

یافته‌ها و نتایج آنالیز دومتغیره حوزه جرم‌شناسی

برای بررسی رابطه بین متغیرها از جدول متقاطع و برای معنی‌داری رابطه از آماره‌ی خی دو استفاده شد. در اینجا جداولی مورد بحث قرار گرفته‌اند که خی دو آنها معنی‌دار بوده است، لذا در جداول از ذکر مقدار خی دو خودداری شده است.

جدول شماره ۳: رابطه‌ی متغیر جنس مجرم با وضعیت تأهل مجرم

همبستگی	جنس مجرم %		وضعیت تأهل مجرم %
	زن	مرد	
وی کرامر = ۰,۴۰۳	۳۰	۵۷,۲	مجرد
	۵۰	۲۱	متأهل
	۱۳,۳	۱,۶	بیوه
	۶,۷	۲۰,۲	نامشخص
	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

ارقام مندرج در جدول شماره ۳ حاکی از آن است که بیش از $\frac{1}{2}$ مجرمان مرد، مجرد بوده (۵۸,۲٪) و تنها $\frac{1}{5}$ از آنها متأهل هستند در حالی که بیشتر زنانی که مرتکب جرم شده‌اند متأهل بوده (۵۰٪) و تنها ۳۰٪ از آنان، مجرد هستند، که این به معنای تأیید سومین فرضیه مطرح شده است.

صادقی نیز در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد که زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند. یکی از دلایل مهم برای توجیه این تفاوت به این موضوع بر می‌گردد که دختران مجرد بیشتر از زنان متأهل تحت نظارت و حمایت خانواده خود قرار می‌گیرند. از طرف دیگر تحقیقات نشان می‌دهد (صادقی، ۱۹۹۶) که در صورت ارتکاب جرم، هزینه‌ها و پیامدهای جرم (از جمله از دست دادن شانس ازدواج و از دست دادن اعتبار اجتماعی) برای زنان مجرد بسیار جدی است. به عبارت دیگر داغ ننگ جرم برای زنان مجرد بسیار تعیین کننده است. از طرفی بالاتر بودن نرخ جرم در میان زنان متأهل در مقایسه با زنان مجرد، می‌تواند در ارتباط با موقعیت همسران آنها توجیه شود. صادقی (۱۹۹۶) در بررسی جرایم زنان دریافت که جرایم زنان از یک سو می‌تواند ناشی از موقعیت و زندگی جرمی همسران آنها باشد. این تفسیر در مورد جرایمی چون اعتیاد، مواد مخدر و حتی سرقت صدق می‌کند اما وقوع جرایم خشن

^۱. Stigma

توسط زنان که عمدتاً در قالب همسرکشی جلوه‌گر می‌شود، می‌تواند تعبیر و تفسیر دیگری داشته باشد. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که خشونت زنان علیه همسرانشان عمدتاً واکنشی و تدافعی و از سر درماندگی و اضطراب است و در بیشتر موارد پاسخی به خشونت و بدرفتاری مردان علیه آنها می‌باشد (صادقی، ۱۹۹۶ و ۱۳۹۰).

در حالی که مردان مجرد به دلیل آزادی عملی که دارند و عدم نظارت کافی خانواده بر آنها و از همه مهمتر به دلیل سبک زندگی توأم با ریسک و خطر احتمال بیشتری وجود دارد که مرتکب رفتارهای مجرمانه شوند. آماره ولی‌کرامر با مقدار ۰,۴۰ نشان دهنده رابطه متوسط بین دو متغیر جنس و وضعیت تأهل مجرمان است.

جدول شماره ۴: رابطه‌ی متغیر جنس مجرم با گروه سنی مجرم

همبستگی	جنس مجرم. %		گروه سنی مجرم %
	زن	مرد	
وی کرامر = ۰,۲۶	۷۰	۸۹,۸	جوان
	۲۳,۳	۷,۶	میانسال
	۶,۷	۲,۶	کهنسال
	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان بیان داشت که حدود ۹۲٪ مجرمان مرد در رده سنی جوان قرار دارند و هیچ موردی از ارتکاب جرم در مردان رده سنی نوجوان گزارش نشده و بیشتر مجرمان زن نیز (۷۰٪) در همین رده سنی (جوان) قرار دارند. بر این اساس چهارمین فرضیه تأیید نشده و مشخص گردید که روزنامه‌ها بر خلاف آمارهای واقعی، بیشتر به جرایم زنان جوان می‌پردازد، اما نکته قابل توجه آن است که ۲۳,۳٪ از زنان مجرم، در رده سنی میانسال قرار دارند در حالی که فقط حدود ۸٪ از مجرمان مرد به این رده سنی قرار داشته و عمده‌ترین رده سنی برای مردان همان طور که بیان شد گروه سنی جوان است. تحقیقات نشان می‌دهد که در ایران مردان متعلق به گروه سنی زیر ۱۸ سال کمتر دست به جرم می‌زنند. زیرا این گروه‌ها نه تنها تحت نظارت خانواده بوده و عمدتاً مشغول به تحصیل نیز هستند. از طرفی عمده زنانی که دست به ارتکاب جرم می‌زنند در اواخر دوره جوانی و یا میانسالی اند. نظارت و مراقبت خانواده یکی از عوامل جدی بازدارندگی جوانان پسر و مخصوصاً دختر در جرم است. قابل ذکر است که سن مجرمین در جرایم مختلف، متفاوت است. برای مثال مردانی که در ارتباط با جرایم مالی و کلاهبرداری دستگیر می‌شوند مسن‌تر از آن دسته از مجرمانی هستند که به جرم سرقت،

خشونت و یا اعتیاد دستگیر می‌شوند. یا در میان زنان، آن دسته از زنان که مرتکب جرایمی چون سرقت و قاچاق موادمخدر شده‌اند مسن‌تر از افرادی هستند که به جرم فحشا دستگیر می‌شوند (عبدی و دیگران: ۱۳۸۰). رابطه بین این دو متغیر نیز نسبتاً ضعیف ارزیابی می‌شود.

جدول شماره ۵: رابطه‌ی متغیر سن مجرم با پایگاه اقتصادی مجرم

همبستگی	سن مجرم %			پایگاه اقتصادی مجرم %
	کهنسال	میانسال	جوان	
وی کرامر = ۰,۱۸	۰	۴۴	۵۸,۹	پایین
	۶۶,۱	۵۱	۲۳,۶	متوسط
	۰	۵	۲,۸	بالا
	۳۳,۹	۰	۱۴,۷	نامشخص
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

ارقام مندرج در جدول شماره ۵ نشان دهنده آن است که نزدیک به ۶۰٪ مجرمان جوان، از طبقه پایین اقتصادی بوده و تنها نزدیک به ۱/۴ از مجرمان این رده سنی دارای پایگاه اقتصادی متوسط و یا بالا بوده‌اند، در حالی که بیشتر مجرمان میانسال (۵۰٪) و کهنسال (۶۶,۷٪) به طبقه متوسط اقتصادی تعلق دارند. نکته آخر اینکه بیش از ۱/۲ فراوانی مربوط به متغیر پایگاه اقتصادی مجرم، نامشخص است و روزنامه این مورد را پوشش نداده است. در صورتی که پایگاه اقتصادی از متغیرهای بسیار مهم در حوزه جرم‌شناسی بوده که با استفاده از آن بسیاری از الگوهای ارتکاب جرم را می‌توان تبیین کرد اما در بازتاب رسانه‌ای جرایم، مورد غفلت قرار گرفته است که با توجه به اندک بودن بازتاب جرایم طبقه اقتصادی متوسط و مخصوصاً بالا در روزنامه‌ی مورد بررسی (با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره ۱)، احتمال می‌رود درصد زیادی از این جرایم نامشخص، به این دو پایگاه اقتصادی تعلق داشته باشد. معمولاً جرایمی که به دست افراد طبقه متوسط و متوسط روبه بالا اتفاق می‌افتد، کمتر گزارش می‌شود و حتی در واقعیت نیز کمتر مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. برخورداری این طبقه از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، این امکان را برای آنها فراهم می‌سازد که خود را از تیررس قانون و اجرای آن دور سازند.

جدول شماره ۶: رابطه‌ی متغیر دسته‌بندی جرایم و محل وقوع جرم

همبستگی	دسته‌بندی جرایم %			محل وقوع جرم %
	جرایم جنسی	علیه‌اموال	علیه‌اشخاص	
وی کرامر = ۰,۲۳	۰	۲۵,۴	۱۶,۱	عمومی / شلوغ
	۷۳,۸	۲۷,۹	۵۷,۶	عمومی / خلوت
	۲۶,۲	۴۴,۷	۲۶,۳	مسکونی اداری - تجاری
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

در بحث دسته‌بندی جرایم و نیز در جهت تأیید پنجمین فرضیه تحقیق این نکته از جدول فوق مشهود است که نزدیک به ۶۰٪ از جرایم علیه‌اشخاص که معطوف به جرایمی مانند زورگیری و یا اقدام به قتل است و نیز بیش از ۷۷٪ جرایم جنسی در مکان‌های خلوت عمومی اتفاق می‌افتد اما بیشتر جرایم علیه‌اموال که عمده‌ترین بخش آن جرایم مربوط به کلاهبرداری است در مکان‌های مسکونی، اداری و یا تجاری رخ داده است که این روابط بیشتر به ماهیت و شرایط مخصوص هر یک از این جرایم بستگی دارد. به عنوان مثال جرایم علیه اشخاص و جرایم جنسی مانند تجاوز به عنف، به علت علنی شدن سریع و مقاومت‌های شخص بزه‌دیده، احتمال رخ دادنش در مکان‌های شلوغ بسیار کم است، مانند جرایم جنسی که مطابق با جدول بالا، احتمال ارتکابش در مکان‌های شلوغ عمومی صفر بوده است. در دو جدول فوق شدت رابطه نسبتاً ضعیف ارزیابی می‌شود. در بحث دسته‌بندی جرایم این نکته نیز از داده‌ها بدست آمد که بیش از ۱/۵ جرایم جنسی، از نوع عاداتی بوده که احتمالاً نشان دهنده این موضوع است که مجرمان جرایم جنسی در موارد زیادی بدون نقشه و برنامه‌ریزی قبلی به این گونه جرایم دست می‌زنند که در اینجا نقش عوامل ناخودآگاه روان‌شناختی درباره این گونه مجرمان اهمیت زیادی دارد.

جدول شماره ۷: رابطه‌ی متغیر سابقه جرم با دسته بندی جرایم

همبستگی	سابقه جرم %		دسته‌بندی جرایم %
	بدون سابقه	سابقه‌دار	
وی کرامر = ۰,۲۶	۵۴,۷	۳۶	علیه‌اشخاص
	۳۶,۳	۶۱,۷	علیه‌اموال
	۶,۸	۲,۳	جرایم جنسی
	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

از تحلیل جدول فوق این نکات به دست می‌آید که بیش از $\frac{3}{5}$ مجرمانی که دارای سابقه جزایی بوده و قبلاً دست به ارتکاب جرم زده‌اند جرایم‌شان در حوزه جرایم علیه‌اموال بوده است اما بیشتر مجرمان بدون سابقه (حدود ۶۰٪)، درگیر جرایم علیه‌اشخاص شده‌اند احتمالاً دلیل این امر این است که جرایم علیه اموال مانند انواع کلاهبرداری‌ها، سرقت منزل، ماشین‌دزدی و یا سرقت‌های مسلحانه جرایمی هستند که احتیاج به تجربه قبلی در این زمینه و فراگیری شگردهای مختلف و نیز احتیاج به همکاری گروهی برای انجام بسیاری از این جرایم دارد و افراد دارای سابقه زندان انواع شگردها را از گروه‌های مجرم داخل زندان آموخته و به راحتی به عضوگیری از این گروه‌ها برای انجام این جرایم می‌پردازند به همین دلیل است که عامل سابقه کیفری احتمال ارتکاب جرایم علیه‌اموال را در مجرمان بسیار بالا می‌برد. اما وجود این عامل برای بسیاری از موارد جرایم علیه‌اشخاص، مانند قتل و یا خشونت‌های بین فردی چندان تاثیرگذار نیست. همان‌طور که مشخص است ششمین فرضیه این پژوهش نیز تأیید می‌شود.

جدول شماره ۸: رابطه‌ی متغیر پایگاه اقتصادی مجرم و دسته‌بندی انواع جرایم

همبستگی	پایگاه اقتصادی مجرم %			دسته‌بندی جرایم %
	پایین	متوسط	بالا	
وی کرامر = ۰,۲۶	۵۳	۳۷,۵	۰	علیه‌اشخاص
	۴۲	۵۸	۱۰۰	علیه‌اموال
	۵	۴,۵	۰	جرایم جنسی
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که بیش از $\frac{1}{2}$ مجرمان دارای پایگاه اقتصادی پایین، مرتکب جرایم علیه اشخاص شده‌اند در حالی که نزدیک به ۶۰٪ مجرمان دارای پایگاه اقتصادی متوسط و ۱۰۰٪ مجرمان با پایگاه اقتصادی بالا (تعداد جرایم افراد این پایگاه تنها ۲ مورد است) مرتکب جرایم علیه‌اموال شده‌اند. که این ارقام مطابق با الگوی رایج، تأیید کننده برجسته بودن جرایم مالی یقه‌سفیدان و گروه‌های بالای اقتصادی در جامعه است. در همین جهت، آخرین فرضیه مطرح شده که در بحث بازتاب رسانه ای جرم، رسانه و به طور خاص مطبوعات وقوع جرایم خشن را به طبقات پایین اقتصادی نسبت می‌دهد، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

در یک جمع‌بندی نهایی مشخص گردید از کل فرضیه‌ها و سؤالات پژوهشی استخراج شده از مرور بدنه دانش و پیشینه پژوهشی، شش فرضیه تأیید و یک فرضیه رد شد. همان‌طور که در داده‌های توصیفی بالا بیان شد، فرضیه اول بر ساخت گروه‌های پایین اقتصادی به عنوان مهمترین گروه مجرم از سوی مطبوعات مورد تأیید قرار گرفت. در سوی دیگر، فرضیه دوم که حاکی از اغراق آمیز بودن بازنمایی جرایم خشن در روزنامه‌هاست تأیید شده و مشخص گردید روزنامه‌ها بر خلاف نرخ جرایم در آمارهای رسمی، حدود ۵۰٪ از فراوانی جرایم را به گزارش جرایم خشن اختصاص می‌دهد. از طرفی مردان در دوران مجرد بیشتر مرتکب جرایم می‌شوند، اما زنان در دوران پس از ازدواج، بیشتر دست به ارتکاب جرم می‌زنند که داده بیان شده تأیید کننده سومین فرضیه این پژوهش است. اما بر خلاف فرضیه چهارم، داده‌ها نشان دهنده آن است که زنان نیز همانند مردان بیشتر در سن جوانی مرتکب جرم شده‌اند، هرچند میزان مجرمان میانسال در میان زنان به مراتب بیشتر از مجرمان مرد در همین رده سنی بود. همسو با پنجمین فرضیه تحقیق نیز مشخص گردید اغلب جرایم خشن در مکان‌های خلوت و به دور از دید ناظران اجتماعی صورت گرفته است، زیرا لازمه انجام چنین جرایمی به دور بودن از چشم شاهدان و غافلگیر کردن قربانی است. تأیید ششمین فرضیه نیز نشان دهنده آن است که داشتن سابقه کیفری در ارتکاب جرایم مالی موثر بوده و افرادی که فاقد سو سابقه بوده‌اند، در اولین کنش مجرمانه خود، بیشتر به جرایم خشن روی آورده‌اند. در جهت تأیید آخرین فرضیه عمده تحقیق نیز می‌توان بیان داشت در بازتاب رسانه‌ای جرم، بیشتر جرایم خشن، به افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین نسبت داده شده است.

از سایر یافته‌ها چنین می‌توان نتیجه گرفت که روزنامه ایران بیشتر به بازتاب جرایم خرد و خیابانی می‌پردازد و مطابق با الگوی تضادی در جرم‌شناسی (وایت و هاینس، ۱۳۸۲: ۱۲۴)، جرایم یقه‌سفیدان و افراد دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا که ابزار قدرت را در دست دارند از نظرها دور مانده و یا به ندرت در روزنامه‌ها انعکاس می‌یابد و از طرف دیگر جرایم خشن و یا جرایم جنسی در سطح گسترده‌ای مطرح شده و با نسبت دادن این جرایم به طبقات پایین اقتصادی - اجتماعی، افکار عمومی جامعه را به خود جلب می‌کنند، در حالی که نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تنها ۴٫۵٪ از جرایم در حوزه جرایم جنسی بوده است (ر. ک جدول شماره ۲).

از دیگر موارد مورد غفلت در بازتاب اخبار جرایم در روزنامه این است که جرایم رده سنی نوجوان به هیچ وجه بازتاب نشده است. درحالی که به نظر می‌آید این گروه سنی با داشتن رفتارهایی ماجراجویانه و گاهاً پرخطر، در معرض ارتکاب بسیاری از جرایم قرار دارد. در واقع با رویکرد کنونی حاکم بر اخبار جرایم در مطبوعات به منظور جلب مخاطب بیشتر از طریق اغراق در میزان و نوع برخی جرایم، بر ساخت فضایی جرمی و ناامن در سطح جامعه و مهمتر از همه پرداختن بیش از حد به مجرمان جرایم به عنوان مهمترین عامل دخیل در فرایند ارتکاب جرم و نادیده انگاشتن قربانیان آن، نمی‌توان از سوی رسانه‌ای پر مخاطب همچون مطبوعات، اقدام موثری در پیشگیری از جرایم و یا کاهش احساس عدم امنیت اجتماعی در سطح جامعه انجام داد. با تحلیل‌های فوق روشن می‌شود که ارتکاب جرم دارای شرایط و الگوی مختص به خود است که باید این الگوها و شرایط موثر بر آن مورد تحلیل قرار گیرد. از این طریق است که دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و نیز قضایی می‌توانند در حوزه پیشگیری از جرایم به درستی دست به اقدام زده و حتی در شرایط بحرانی که نظم اجتماعی در جامعه تهدید می‌شود، بتوانند اقدامات موثری را انجام دهند. از طرف دیگر متولیان حوزه رسانه و بلاخص مطبوعات نیز توانسته الگوی بازتاب داده شده از حوزه جرایم و نیز نواقص و کمبودهای آن را شناسایی کرده و به ترمیم و واقعی‌تر نمودن این تصویر بازنمایی شده در اخبار جرایم بپردازند.

منابع

- پیلا، ژرژ (۱۳۷۰) «جرم‌شناسی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- چرمارک، استیون (۱۳۷۷) «پلیس، دادگاه و زندان در رسانه‌ها»، ترجمه ترنم افشار، ماهنامه امنیت، سال دوم، شماره پنجم و ششم.
- دواس، دی، ای (۱۳۷۶) «روش پیمایش در تحقیق اجتماعی»، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- رابینگن، ارل و مارتین و اینبرگ. بی‌تا (۱۳۸۳) «رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی»، ترجمه رحمت‌الله صدیق‌سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
- رایف، دانیل، استفن لیبی، و فردریک جی. فیکو (۱۳۸۱) «تحلیل پیام‌های رسانه-ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق»، ترجمه مهدخت بروجردی علوی. تهران: سروش.

- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۰) «مطبوعات و فرهنگ عمومی (مجموعه مقالات فرهنگ و جامعه)»، تهران: آرون.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱) «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادقی، سهیلا (۱۳۸۳) «جزوه کلاسی درس آسیب‌شناسی اجتماعی».
- صادقی، سهیلا (۱۳۹۰) «بررسی جامعه‌شناختی قتل در تهران»، طرح پژوهشی به سفارش مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، قوه قضاییه.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳) «آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران: دانشگاه تهران.
- عبدی، عباس؛ رزازی فر، افسر؛ کلهر، سمیرا؛ سهراب زاده، مهرا؛ رجبیه شایان، زهره (۱۳۸۷) تأثیر زندان بر زندانی: آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- فرجیها، محمد (۱۳۸۵) «بازتاب رسانه‌ای جرم»، رفاه اجتماعی، ۶(۲۲): ۵۷-۸۶.
- لازر، کریستین (۱۳۷۵) «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: نشر یلدا.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۵) مقاله «میثاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری: یک طرح پیشنهادی»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مطبوعات ایران، تهران.
- وایت، راب و هاینس، فیونا (۱۳۸۲) «درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی»، ترجمه: میرروح الله صدیق بطحایی اصل، تهران: نشر دادگستر.
- Beckett, K and Sasson, T (۲۰۰۰) *The Politics of Injustice, Thousand Oaks*: Pine Forge Press.
- Blackman, L. and Walkerdine, V. (۲۰۰۱) *Mass Hysteria: Critical Psychology and Media Studies*, Basingstoke: Palgrave.
- Carlson, J.M (۱۹۸۵) *Prime-Time Law Enforcement: Crime Show Viewing and Attitudes to the Criminal Justice System*, New York: Praeger.
- Chermak, S.M (۱۹۹۵) *Victims in the News: Crime in American News Media*, Boulder: Westview.
- Chricos, T., Eschholz, S, and Gertz, M (۱۹۹۷) *Crime, News and Fear of Crime*, *Social Problems*, ۴۴, ۳: ۳۴۲- ۵۷.
- Dussuyer, I (۱۹۷۹) *Crime News: A Study of ۴۰ Toronto Newspapers*, *Toronto*: University of Toronto Center of Criminology.

- Fiske, J. (۱۹۸۲) *Introduction to Communication Studies*, London: Routledge.
- Fiske, J. (۱۹۸۹) *Reading the Popular*, London: Routledge.
- Galtung, J. and Ruge, M. (۱۹۷۳) 'Structuring and selecting the news', in S. Cohen and J. Young (eds) *The Manufacture of News: Deviance, Social Problems and the Mass Media*, London: Constable.
- Garofalo, J (۱۸۸۱) *Crime and the Mass Media: A Selective Review of Research*, Journal of Research in Crime and Delinquency, ۱۸, ۲: ۳۱۹-۵۰.
- Gerbner, G and Gross, L (۱۹۷۶) Living With Television: The Violence Profile, Journal of Communication, ۲۶, ۱: ۱۷۳- ۹۹.
- Graber, D (۱۸۸۰) *Crime News and Public*, New York: Praeger.
- Hall, S. (۱۸۷۸) 'The treatment of football hooliganism in the press', in R. Ingham (ed.) *Football Hooliganism*, London: Inter-Action.
- Howtt, D (۱۹۹۸) *Crime, The Media and The Law*, London: Wiley.
- James, O. (۱۹۹۵) *Juvenile Violence in a Winner-Loser Culture: Socio-Economic and Familial Origins of the Rise of Violence against the Person*, London: Free Association.
- Jewkes, Yvonne (۲۰۰۴), *Media & Crime*, London, sage publication.
- Kooistra, P. G, Mahonry, J. S, and Westervelt, S. D (۱۹۹۸) *the World of Crime According to Cops*, in M. Fishman and G. Cavender (eds), *Entertaining Crime*, ۱۴۱- ۵۸, New York: Aldine De Gruyter.
- Maguire, Mike; Morgan, Rod; Reimer, Robert (۲۰۰۷) *The Oxford Handbook of Criminology*, Oxford University Press.
- Marsh, H.L (۱۹۹۱) *A Comparative Analysis of Crime Coverage in Newspapers in United States and Other Countries From ۱۹۶۰- ۱۹۸۹: A Review of the Literature*, Journal of Criminal Justice, ۱۹, ۱: ۶۷-۸۰.
- Marsh, Ian (۲۰۰۶), *Theories of Crime*, published by Routledge.
- Mawby, R. L and Brown, J (۱۹۸۳) *Newspaper Images of the Victim*, Victimology, ۹, ۱: ۸۲-۹۴.
- McNair, B. (۱۹۹۸), *The Sociology of Journalism*, London, Arnold.
- Merton, R.K. (۱۹۳۸), *Social Structure and Anomie*, American Sociological Review, ۳.
- Morley, D. (۱۹۹۲) *Television Audiences and Cultural Studies*, London: Routledge.
- Naylor, B. (۲۰۰۱) 'Reporting violence in the British print media: gendered stories', Howard Journal, ۴۰ (۲): ۱۸۰-۹۴.
- Oliver, M. B, and Armstrong, G. B (۱۹۹۸) *The Color of Crime: Perceptions of Caucasians and African- Americans Involvement in Crime*, in M. Fishman and G. Cavender (eds), *Entertaining Crime*, ۱۹- ۳۶, New York: Aldine De Gruyter.
- Presdee, M. (۲۰۰۰) *Cultural Criminology and the Carnival of Crime*, London: Routledge.
- Reiner, R. (۲۰۰۰) *The Politics of the Police*, ۳rd edn, Oxford: Oxford University Press.

- Reiner, R. (۲۰۰۱) '*The rise of virtual vigilantism: crime reporting since World War II*', Criminal Justice Matters, ۴۳, Spring.
- Reiner, R., Livingstone, S. and Allen, J. (۲۰۰۱) '*Casino culture: media and crime in a winner-loser society*', in K. Stenson and R.R. Sullivan (eds) Crime, Risk and Justice: the Politics of Crime Control in Liberal Democracies, Cullompton: Willan.
- Sadeghi-Fassaei, Soheila. ۶۹۹۶. *Women and Crime in Iran: The Effect of the Circumstances of Women's Occupation on Crime*. Ph. D. Dissertation, University of Manchester.
- Sacco, V. F (۵۹۹۵) *Media Constructions of Crime*, The Annals of the American Academy of Political and Social Science, ۵۳۹: ۱۴۱- ۵۴.
- Sasson, T (۵۹۹۵) *Crime Talk: How Citizens Construct A Social Problem*, New York: Aldine De Gruyter.
- Soothill, K., and Walby, S. (۱۹۹۱) *Sex Crime in the News*, London: Routledge.
- Stevenson, N. (۵۹۹۵), *Understanding Media Culture: Social Theory and Mass communication*, London, Sage.
- Winfree, Thomas; Abadinsky, Howard (۲۰۰۳) *Understanding Crime: Essentials of Criminological Theory*, Paperback.